

## تصور ما از گناه چیست؟

همه ما از چگونگی داستان خلقت آدم و حوا اطلاع داریم . اینکه حوا در بهشت از میوه ممنوعه می خورد از دیدگاه دین مسیحیت گناهی بزرگ محسوب شده است. که به واسطه آن انسان از بهشت رانده می شود. و به زمین می آید. و مسیح که همان خدا تجسم یافته است برای اینکه کفاره گناه بشر را بدهد به شکل انسان بر روی زمین می آید. حال می پرسیم تصور ما از گناه چیست؟ آیا گناه چیزی به جز این است که عملی باعث رساندن آسیبی یا ضایع شدن حقی از خود و یا دیگران بشود؟ اینکه حوا سببی می خورد به چه کسی آسیب می رسد؟ چه آسیب های جسمی یا روانی به خود یا دیگران به واسطه خوردن این سیب زد؟ اگر میوه ممنوعه چیزی بدی بود چرا یاد آوری خاطره رانده شدن از بهشت باعث نشد که آدم و حوا سراغ این میوه ممنوعه در روی زمین نروند. چقدر نافرمانی از خدا به دل آدم و حوا چسبیده بود که در زمین نیز به آن نافرمانی ادامه دادند.

خوب که بررسی کنیم ثمره این نافرمانی به کسی آسیب نرساند به جز خود خدا. خدا در این داستان خلقت تنها به این دلیل که شیطان از او برده است اختیار از کف می دهد و حکم بر اخراج آدم و حوا از بهشت می دهد. چون خدا علی رغم خدائیش ، نتوانست آنقدر قدرت نفوذ کلام داشته باشد که آدم و حوا به حرف او بیشتر از حرف شیطان اهیت بدهند. قدرت شیطان از قدرت خدا بیشتر بود و این به خدائی خدا لطمه میزد. چون یکبار که آدم و حوا به حرف شیطان گوش فرا دادند بعید نبود که شیطان جای خدا را بگیرد و از آن پس به جای حرف خدا به حرف شیطان گوش بدهند و عملاً شیطان جایگاه خدا را تسخیر کند. اما خدا مثل کسانی که موقع عصبانیت نمی توانند درست فکر کنند و تصمیماتی که می گیرند به ضرر خودشان تمام می شود، با راندن انسان از بهشت و آزاد گذاشتن شیطان در فریب انسان در عمل شیطان را در دست یافتن به آرزوی خود یاری رساند.

شیطان می خواست به جای خدا فرمان بدهد و موفق هم شد. در حقیقت خوردن سیب نبود که باعث حبوط آدم شد. بلکه حسادت خدا نسبت به شیطان بود که انسان را از بهشت راند.

مسیح به خاطر اینکه کفاره گناه انسان را بدهد ( همان گناه اولیه یعنی خوردن سیب است) به زمین می آید . آیا خوردن سیب اینقدر فاجعه بزرگی است که به واسطه آن خدا باید به زمین بیاید تا با مصلوب شدن خود گناه بشر را بشوید؟ مگر نمی شد در بهشت از این خطا در گذشت؟ در بهشت خدا فقط لازم بود از گناه دو انسان درگذرد. اما در زمین باید بار گناهان هزاران هزار انسان را به دوش بکشد .

این خدا که در قالب انسان به زمین آمده مغزش به اندازه یک انسان عادی هم کار نمی کند. چون وقتی به درخت انجیر که میوه نداشت بر می خورد به درخت نفرین می کند که خشک شود. خدایی که در برابر یک درخت بی میوه عصبانی می شود چقدر برای نظارت بر دنیا صلاحیت دارد؟

اگر بخواهیم داستان آدم و حوا را واقعی فرض کنیم چگونه می توانیم زمانی که عجز و ناله آدم و حوا برای بخشوده شدن در دل سنگ خدا تاثیر نمی گذارد، به پذیرفتن توبه امیدوار باشیم. خدایی که اینقدر در پیش شیطان احساس حقارت می کرد که این عقده را تنها با اخراج آدم فرو نشاند چگونه گناهان بزرگتر را که اثرات آن گاهی اجتماعی را آلوده می سازد ، خواهد بخشید.

خدا از اینکه حوا سببی خورد عصبانی شد. یا دش رفت که جلوی فرشته ها کلی پز داده که من از خلقت انسان چیزی میدانم که شما نمی دانید. آدم اسما را می داند اما شما نمی دانید. حد اقل آبروی خودش را جلوی فرشته ها حفظ نکرد. من مطمئنم که پس از اخراج آدم و حوا از بهشت ، فرشته ها کلی خدا را سرزنش کردند. بله، این همان تبارک الله احسن الخالقین است که پزش را به ما می دادی گناه خوردن سیب به بزرگی گناه خلق دنیای وارونه و سپردن زمام امور دنیا به دست بیماران شیزوفرنی که دچار تخیلات و اوهام هستند و فکر می کنند جن و پری با آنها گفتگو می کنند نیست.

گناه سیب خوردن به بزرگی خلق دنیای معیوب که در آن دنیا انسانهایی با ناتوانی جسمی بدون میل و اراده خویش پا در آن می گذارند و همه طول عمر خود را ار لذت زندگی کردن محروم هستند، نیست. سیب خوردن گناه بزرگی است یا

تفاوت بین انسانها قائل شدن؟ یکی را هدایت کردن و یکی را وا نهادن. یکی را زشت خلق کردن و یکی را زیبا آفریدن . یکی را روزی رساندن و دیگری را بی بهره کردن.

ما به خاطر خوردن یک سیب از بهشت رانده شدیم . اما ما انسانها، خدا را به خاطر گناهان بیشمارش از زندگی خود بیرون نمی رانیم.

پ. ف. س

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>  
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>